متهم: قتل را قبول ندارم

مرد جوانی که به هواخواهی برادرش در درگیری شریک قبلی او را به قتل رسانده بود در جلسه محاکمه ادعا کرد که ضربات او کشنده نبوده است.

به گزارش جوان، ۱۷ تیرماه سال ۹۵، مأموران پلیس تهران از مرگ مشکوک مرد جوانی در یکی از بیمارستان‌های شهر باخبر و راهی محل شدند. اولین شواهد نشان داد چهار ماه قبل مجید از ناحیه دست و پهلو در درگیری به شدت مجروح و به بیمارستان منتقل می‌شود و تحت عمل جراحی قرار می‌گیرد، اما چهار ماه بعد از ترخیص از بیمارستان بر اثر همان ضربات قبلی به کام مرگ می‌رود. همچنین مشخص شد آن زمان مرد فوت شده در درگیری با برادر شریکش به نام سجاد زخمی و راهی بیمارستان می‌شود. با انتقال جسد به پزشکی قانونی علت فوت مرد جوان ضربات شدید اعلام شد که در جریان آن ضارب شناسایی و دستگیر شد. سجاد تحت بازجویی قرار گرفت، اما قتل را انکار کرد و مدعی شد ضربه‌هایش کشنده نبوده است.

درخواست قصاص

با انکارهای متهم پرونده با توجه به شواهد و مدارک موجود به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و در اولین جلسه محاکمه روی میز هیئت قضایی شعبه دهم دادگاه قرار گرفت. ابتدای جلسه مادر مقتول درخواست قصاص کرد اما همسر مقتول که قیم پسر خردسالش بود اعلام گذشت کرد و گفت شکایتی ندارد. در ادامه متهم در جایگاه قرار گرفت و با انکار جرمش در شرح ماجرا گفت: «سال‌ها قبل برادر بزرگترم و مجید با هم شریک بودند. آنها یک شرکت تعویض قطعات آسانسور داشتند، اما بعد از مدتی کار شراکتشان به هم خورد و از هم جدا شدند.»

انکار قتل

متهم ادامه داد: «برادرم و شریکش بعد از جدایی، اما همان کار را ادامه دادند به همین خاطر آخرین بار مجید با عصبانیت مقابل خانه‌مان آمد و گفت بعد از به هم خوردن شراکتش، برادرم همه مشتری‌های او را جذب کرده است و به همین خاطر او کاسبی‌اش کساد شده‌است. کمی با او صحبت کردم، اما قانع نشد سپس از شدت عصبانیت شروع به فحاشی کرد. هرچه تلاش کردم او را آرام کنم و قول دادم با برادرم صحبت می کنم، اما فایده نداشت. او همچنان فحاشی می کرد که با هم مشاجره لفظی کردیم و در نهایت باعث شد من کنترل اعصابم را از دست بدهم و برای طرفداری از برادرم با او درگیر شوم. در آن درگیری بود که با کاردکی دو ضربه به دست و پهلوی او زدم. وقتی دیدم مجید زخمی شده‌است او را به بیمارستان رساندم و بلافاصله تحت عمل جراحی قرار گرفت. مجید بعد از بهبودی با اجازه پزشکان از بیمارستان مرخص شد و حالش خوب بود، اما چهار ماه بعد فوت کرد. اتهام قتل را قبول ندارم چون مجید وقتی از بیمارستان مرخص شد مشکل خاصی نداشت و حالش خوب بود.»

درخواست دیه ۳ میلیارد تومانی

او در ادامه با ادعای اینکه تنها دو ضربه به شریک برادرش زده بود در پاسخ به سئوال هیئت قضایی درباره اینکه پزشکی قانونی علت فوت را سه ضربه به مقتول تأیید کرده‌است، گفت: «قبول ندارم و فقط دو ضربه به او زدم.»

متهم در ادامه گفت: «مجید بعد از ترخیص از بیمارستان عفونت شدید پیدا کرده بود، اما هر چه خانواده‌اش به او می گفتند که به بیمارستان برود و پیگیر درمانش باشد قبول نکرد. از طرفی آن زمان کارشناسان پزشکی قانونی در گزارشی علت فوت را عفونت تشخیص داده بودند، اما الان در این جلسه فهمیدم آنها در گزارش دیگری علت فوت را ضربه شدید به مقتول اعلام کرده‌اند. شریک برادرم به خاطر کوتاهی در درمان یا قصور پزشکان فوت کرده‌است و من مقصر نیستم.» او در آخر گفت: «با خرید یک خانه برای پسر مقتول توانستم رضایت آنها را جلب کنم اما مادرش از من ۳ میلیارد پول می خواهد که پرداخت این مبلغ در توان من نیست. از دادگاه تقاضای کمک دارم. باور کنید ضرباتی که به شریک برادرم زدم کشنده نبود.»

اظهارات برادر قاتل

در ادامه برادر متهم به عنوان مطلع در جایگاه ایستاد و گفت: «روز حادثه آنجا بودم که مجید شروع به فحاشی کرد و سجاد برای طرفداری از من با مجید درگیر شد. او به خاطر فحاشی‌های مجید عصبانی شد اما ضربه کشنده‌ای به او نزد.»

یکی از شاهدان حادثه هم در جایگاه ایستاد و بار دیگر اظهارات برادر متهم گفت: «آن روز وقتی صدای درگیری را شنیدیم به آنها نزدیک شدم و می خواستم آنها را از هم جدا کنم، اما سجاد خیلی عصبانی بود و در آن درگیری با کاردک به مقتول حمله کرد و چند ضربه زد.»

در پایان هیئت قضایی بعد از شنیدن دفاعیات وکیل متهم جهت صدور رأی وارد شور شد.

شجاعت نگهبان زوج سارق مسلح را به دام انداخت

زن و شوهر سارقی که به بهانه خرید اسباب و اثاثیه با تهدید اسلحه از خانه‌های شمال تهران دست به سرقت‌های سریالی می‌زدند در آخرین سرقت با شجاعت نگهبان برج مسکونی به دام افتادند. سارقان مسلح برای فرار اقدام به تیراندازی کردند، اما نگهبان برج در را روی آنها قفل کرد و اجازه خروج به آنها نداد تا اینکه مأموران پلیس از راه رسیدند.

به گزارش جوان، چند روز قبل مأموران پلیس تهران در حال گشت‌زنی در یکی از خیابان‌های منطقه ازگل در شمال تهران بودند که صدای شلیک چند تیر به گوششان رسید.

بررسی‌ها حکایت از آن داشت فردی در حال تیراندازی به سوی فرد یا افراد دیگری است که بلافاصله مأموران پلیس رد صدای تیراندازی را گرفتند و دریافتند که صدای تیراندازی از داخل نگهبانی و قسمت اطلاعات برج مسکونی می‌آید. سپس مأموران پلیس به سرعت راهی برج مسکونی شدند و در آنجا مشاهده کردند زنی که مسلح به کلت کمری است همراه مرد جوانی تفنگش را روی نگهبان برج مسکونی گرفته است و قصد دارد با تهدید از دام او و دیگر نگهبانان و رهگذاران فرار کنند.

بدین ترتیب مأموران پلیس وارد عمل شدند و زن مسلح و مرد همراهش را بازداشت کردند.

بررسی‌ها نشان داد عاملان تیراندازی زن و شوهر هستند که دقایقی قبل در حالی که ساکی همراه داشته‌اند از خانه یکی از ساکنان برج خارج می‌شوند که نگهبان به آنها مشکوک می‌شود و از آنها می‌خواهد پس از هماهنگی با صاحبخانه ساک را بیرون ببرند که زن جوان با کلت کمری که همراه دارد به سوی او تیراندازی می‌کند.

ساک مرموز

نگهبان برج مسکونی که در این حادثه از شلیک چند گلوله جان سالم به در برده بود به مأموران پلیس گفت: ساعتی قبل این زن و مرد به داخل برج آمدند و گفتند مهمان یکی از ساکنان ساختمان هستند. من با آن واحد که مادر و دختری در آنجا زندگی می‌کنند، تماس گرفتم که دخترش اجازه داد زن و مرد وارد شوند. آنها به واحد مورد نظر رفتند تا اینکه ساعتی بعد در حالی که ساک بزرگی همراه داشتند، خارج شدند که من به ساک آنها مشکوک شدم و از آنها سؤال کردم شما ساک همراه نداشتید این ساک متعلق به چه کسی است. زن جوان گفت که ساک را صاحب آن واحد به آنها داده است. از آنها خواستم که لحظاتی منتظر باشند تا از صاحب آن واحد سؤال کنم و بعد همراه ساک خارج شوند، اما او شروع به داد و فریاد کرد که وقت ندارند و من هم در ورودی را روی آنها قفل کردم و اجازه خارج شدن ندادم. در حالی که قصد داشتم با مادر و دختر تماس بگیرم ناگهان زن جوان کلت کمری از جیب مانتواش بیرون آورد و به سوی من شلیک کرد که به سرعت جا خالی دادم و او دوباره شلیک کرد و من دوباره جا خالی دادم که تیرها همه به در و دیوار برخورد کرد. صدای شلیک همسایه‌ها و مأموران پلیس را به محل کشاند و آنها به دام افتادند.

پس از این مأموران پلیس ساک مرموز را بازرسی کردند که مشخص شد مقدار زیادی طلا و پول و لوازم قیمتی متعلق به مادر و دختر در آن قرار دارد.

نجات مادر و دختر

از آنجایی که احتمال می‌رفت برای مادر و دختر اتفاق بدی رخ داده‌باشد، مأموران پلیس به در خانه آنها رفتند، اما هر چقدر در زدند کسی در را روی آنها باز نکرد تا اینکه سرانجام با دستور بازپرس کشیک قفل در را تخریب کرده و وارد محل زندگی مادر و دختر شدند که مشاهده کردند آنها دست و پا بسته داخل اتاقی حبس شده‌اند.

دختر جوان پس از نجات در توضیح حادثه گفت: من و مادرم چند روز قبل تصمیم گرفتیم یخچال بزرگی بخریم و به همین خاطر یخچال خانه‌مان را برای فروش در فضای مجازی آگهی دادیم. در این چند روز افراد زیادی با ما تماس گرفتند، اما سر قیمت آن به توافق نرسیدیم تا اینکه چند ساعت قبل زنی با من تماس گرفت و گفت خریدار یخچال است. او گفت که قصد دارد یخچال را به خانواده مستمند هدیه بدهد و از ما خواست تخفیف بدهیم و ما هم قبول کردیم. پس از اینکه به توافق رسیدیم زن جوان آدرس خانه ما را گرفت و گفت به زودی همراه همسرش برای بازدید یخچال به خانه ما می‌آید. من و مادرم منتظر آنها بودیم که نگهبان برج تماس گرفت و گفت زن و مرد جوانی مهمان ما هستند و من هم اجازه دادم وارد شوند.

وقتی در خانه را باز کردم زن و مرد جوان وارد خانه شدند و به سراغ یخچال رفتند که ناگهان زن جوان اسلحه کمری از جیبش بیرون آورد و به سوی من و مادرم گرفت و تهدید کرد هیچ حرکتی نکنیم. سپس مردی که همراهش بود دست و پای ما را با طناب بست و با تهدید اسلحه از ما خواستند هر چه طلا، پول و اموال قیمتی داریم به آنها بدهیم. ما از ترس جانمان محل طلاها را به آنها نشان دادیم و زن و مرد مسلح هم همه طلاها، پول‌ها و اجناس قیمتی را داخل ساکی که از خانه ما برداشته‌بودند ریختند و خارج شدند. هر چقدر التماس کردیم دست و پای ما را باز کنند فایده‌ای نداشت و حتی آنها دهانمان را با پارچه بستند که با داد و فریاد از همسایه‌ها درخواست کمک نکنیم. وی در پایان گفت: هوشیاری و شجاعت نگهبان برج باعث شد سارقان مسلح به دام بیفتند و من و مادرم هم نجات پیدا کنیم.

سرقت‌های سریالی

دو متهم پس از دستگیری برای بازجویی به شعبه چهارم دادیاری دادسرای ویژه سرقت منتقل شدند.

مرد جوان در بازجویی‌ها گفت: مدتی قبل من و شوهرم هنگام تماشای فیلم هالیوودی با این شیوه سرقت آشنا شدیم. در آن فیلم مرد و زنی به عنوان خریدار به خانه‌هایی مراجعه می‌کردند که صاحبخانه اسباب و وسایلش را برای فروش در فضای مجازی آگهی داده بود. پس از این ما تصمیم گرفتیم به این شیوه دست به سرقت اموال شهروندان بزنیم. ما هر روز در فضای مجازی افرادی که وسایلشان را برای فروش در فضای مجازی آگهی داده بودند رصد می‌کردیم و معمولاً افرادی را انتخاب می‌کردیم که خانه‌شان در خیابان‌های بالای شهر باشد و وضعیت مالی خوبی هم داشته‌باشند. از طرفی هم سعی می‌کردیم طعمه‌هایمان زن باشند چون آنها توان مقابله در مقابل ما را نداشتند. در این مدت به همین شیوه به چند خانه‌ای که وسایلشان را برای فروش آگهی داده بودند رفتیم و با تهدید اسلحه دست و پای صاحبخانه را می‌بستیم و اموال گرانقیمت‌شان را سرقت می‌کردیم. در این سرقت‌های سریالی گاهی اسلحه دست من بود و گاهی هم اسلحه در اختیار همسرم بود.

دو متهم در ادامه به دستور قاضی سید سعید مدرس برای تحقیقات بیشتر و برملا شدن سرقت احتمالی دیگرشان در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفتند.

مرگ ۳ شهروند تهرانی در ۳ حادثه رانندگی

سه شهروند تهرانی در سه حادثه جداگانه رانندگی جان خود را از دست دادند.

به گزارش جوان، اولین حادثه بامداد روز سه‌شنبه بیست و هشتم دی‌ماه در بزرگراه شهید کریمی پایتخت اتفاق افتاد. وقتی مأموران در محل حادثه حاضر شدند بررسی‌های اولیه نشان داد راکب یک دستگاه موتورسیکلت که مرد ۲۳ساله‌ای بوده به علت ناتوانی در کنترل وسیله نقلیه با گاردریل‌های این بزرگراه به شدت برخورد کرده و به خاطر شدت جراحات در دم فوت کرده است.

سرهنگ مؤمنی، رئیس اداره تصادفات پلیس راهور تهران بزرگ علت حادثه مرگبار موتورسوار را تاریکی هوا، ناتوانی در کنترل وسیله نقلیه اعلام کرد.

حادثه دوم

دومین حادثه بعد از ظهر همان روز در بزرگراه حکیم به شرق اتفاق افتاد که در جریان آن یک دستگاه پژو سواری با عابر پیاده‌ای که مرد ۵۳ساله‌ای بود برخورد کرد و او را به کام مرگ کشاند.

علت این حادثه هم از سوی رئیس اداره تصادفات پلیس راهور تهران بزرگ عبور غیر مجاز عابر پیاده و عدم توجه به جلو از سوی راننده خودروی سواری پژو اعلام شد.

وی گفت: برای عابر پیاده به خاطر عدم استفاده از پل عابر سهم تقصیر و راننده پژو نیز ۵۰ درصد مقصر شناخته شد.

حادثه سوم

سومین حادثه شامگاه سه‌شنبه بیست و هشتم دی‌ماه رخ داد که در جریان آن عابر پیاده ۵۰ساله‌ای پس از برخورد با یک دستگاه وانت سواری در بزرگراه امام رضا(ع) فوت کرد. سرهنگ مؤمنی درباره این حادثه گفت: بعد از بررسی کارشناسان پلیس راهور تهران برای عابر پیاده ۵۰درصد به علت عبور غیرمجاز از بزرگراه و همچنین برای وانت پیکان نیز ۵۰درصد سهم تقصیر به دلیل عدم توجه به جلو در نظر گرفته شد.

قتل مرموز فروشنده مغازه‌ای در نزدیکی محل کارش

مرد جوانی که در نزدیکی محل کارش به قتل رسیده بود جسدش از سوی خانواده‌اش در جوی آبی کشف شد. مأموران پلیس تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی عامل یا عاملان قتل آغاز کردند.

به گزارش جوان، شامگاه دوشنبه بیست و هفتم دی‌ماه زن جوانی در شهر اندیشه کرج به اداره پلیس رفت و از گم شدن ناگهانی شوهر ۴۵ساله‌اش به نام حمید شکایت کرد.

وی در توضیح ماجرا گفت: شوهرم مدتی است به عنوان فروشنده هایپر مارکتی در برج ارکیده چیتگر تهران مشغول به کار است. او هر روز صبح از شهر اندیشه به تهران می رود و شب دوباره به خانه بر می‌گردد. او ساعتی قبل با من تماس گرفت و گفت از محل کارش بیرون آمده و به زودی به خانه می‌رسد. من و فرزندم مشتاقانه در خانه منتظر او ماندیم، اما چند ساعتی گذشت و خبری از شوهرم نشد که نگرانش شدیم و با تلفن همراهش تماس گرفتیم که تلفن همراهش هم خاموش بود.

پس از این با محل کارش و همکارانش تماس گرفتیم، اما نه مسئول محل کارش و نه هیچ کدام از دوستانش خبری از شوهرم نداشتند و همگی گفتند که حمید به مقصد خانه محل کارش را ترک کرده است.

الان نگرانم که برای او اتفاق بدی رخ داده باشد و در خواست کمک دارم که شوهرم را پیدا کنید و من و فرزندم را از نگرانی برهانید.

با طرح این شکایت و از آنجایی که محل حادثه تهران بود تیمی از کارآگاهان چهارم پلیس آگاهی پایتخت برای پیدا کردن مرد جوان وارد عمل شدند، اما در بررسی‌ها هیچ ردی از وی پیدا نکردند. تحقیقات نشان داد شب حادثه مرد گمشده پس از اینکه از محل کارش خارج شده به طرز مرموزی ناپدید شده است.

کشف جسد

در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت ساعت ۱۲ شب سه‌شنبه بیست و هشتم دی‌ماه همسر مرد گمشده با اداره پلیس تهران تماس گرفت و اعلام کرد جسد خونین شوهرش را در ۳۰۰متری محل کارش پیدا کرده است.

بدین ترتیب تیمی از مأموران کلانتری ۱۸۸ وردآورد راهی محل حادثه شدند و در آنجا داخل جوی آبی کنار خیابان خلوتی باجسد مرد گمشده روبه‌رو شدند و موضوع را به قاضی محمدتقی شعبانی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران خبر دادند.

با اعلام خبر کشف جسد مرد جوان بازپرس جنایی همراه تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی تحقیقات خود را در محل آغاز کردند.

بررسی های مأموران نشان داد مقتول در نزدیکی محل کارش با ضربات جسم نوک تیزی به شکم و ضربات جسم سختی به سر و صورتش به قتل رسیده است.

سرقت خونین

در حالی که پزشکی قانونی اعلام کرد بیش از ۱۲ ساعت از مرگ مرد جوان می گذرد تیم جنایی در بازرسی بدنی از مقتول دریافتند عامل یا عاملان قتل اموال قیمتی و تلفن همراه وی را سرقت کرده‌اند.

همچنین مشخص شد مقتول از محل کارش در حال پیاده‌روی به سمت ایستگاه تاکسی یا مترو بوده‌است که در محلی خلوت که افراد کمی از آنجا عبور می کنند مورد حمله قرار می گیرد و به قتل می‌رسد.

همسر مقتول درباره کشف جسد شوهرش در حالی که گریه می کرد، گفت: «آن شب من و فرزندم منتظر شوهرم بودیم، اما خبری از او نشد که گم شدنش را به مأموران پلیس خبر دادیم. او همیشه از محل کارش تا ایستگاه تاکسی که مسافت زیادی است حدود ۲۵دقیقه پیاده‌روی می کرد و به همین خاطر وقتی مأموران پلیس نتوانستند شوهرم را پیدا کنند تصمیم گرفتم خودم مسافتی که شوهرم هر شب پیاده‌روی می کند جست‌وجو کنم. سپس همراه بستگانم به محل کار شوهرم رفتیم و محل پیاده روی وی را تا ایستگاه تاکسی اندیشه جست‌وجو کردیم. ابتدا اثری از شوهرم پیدا نکردیم، اما درنهایت پس از چند ساعت داخل جوی آبی در نزدیکی محل کارش متوجه شی‌ای شدیم که وقتی به آن نزدیک شدیم با جسد خونین و بی‌جان شوهرم روبه‌رو شدیم.» همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی مأموران پلیس تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی و دستگیری عامل یا عاملان قتل مرد جوان آغاز کردند.

اوباش مسلح صحنه جرم را بازسازی کردند

اوباش مسلحی که چند شب قبل در درگیری مسلحانه با هم باعث وحشت شهروندان شده بودند به محل حادثه منتقل شدند و در حضور مردم صحنه جرم را بازسازی کردند.

به گزارش جوان، شامگاه سه‌شنبه ۲۱دی‌ماه ساکنان و رهگذران خیابانی در محدوده خیابان وحدت اسلامی در جنوب تهران با شنیدن صدای شلیک چند تیر وحشت زده از خانه‌های‌شان بیرون آمدند که مشاهده کردند چند اراذل در حال درگیری مسلحانه با یکدیگر هستند.

با اعلام این خبر تیمی از مأموران پلیس امنیت عمومی تهران بزرگ وارد عمل شدند و موفق شدند دو روز بعد از حادثه متهمان را شناسایی و بازداشت کنند. از آنجایی که قدرت‌نمایی متهمان برای یکدیگر باعث رعب و وحشت شهروندان شده بودند صبح دیروز شش نفر از آنها به دستور قاضی پرونده برای شکستن هیمنه و ابهت پوشالی‌شان به محل حادثه منتقل شدند و صحنه جرم را در حضور مردم بازسازی کردند.

سرهنگ سعید راستی، رئیس مرکز عملیات پلیس امنیت عمومی تهران در حاشیه بازسازی صحنه جرم از سوی متهمان با حضور در جمع خبرنگاران گفت: در ساعات پایانی ۲۱دی‌ماه دو گروه از اوباش که از مدتی قبل با یکدیگر اختلاف داشتند، در یک نقطه در خارج از تهران و دو نقطه در شهر تهران با یکدیگر درگیر شدند. یکی از محل‌های درگیری این افراد نمایشگاه خودروی وابسته به یکی از طرفین نزاع و درگیری در خیابان وحدت اسلامی بود که اوباشگران اقدام به تیراندازی به سمت آن کردند که همچنان جای گلوله‌ها قابل رؤیت است.

وی ادامه داد: این افراد در دیگر نقاط از جمله محله کیانشهر نیز با یکدیگر درگیر شدند و در واقع به اماکن صنفی وابسته به طرفین نزاع حمله کرده و اقدام به ایجاد قدرت‌نمایی کرده بودند که این اقدام آنان موجب ترس و وحشت شهروندان نیز شده بود.

متهمان ظرف کمتر از ۴۸ ساعت شناسایی شدند و مأموران پلیس با حضور در مخفیگاه متهمان هر دو گروه را که تعدادشان هفت نفر بود، دستگیر کردند و دیروز هم با دستور قضایی و به منظور شکستن هیمنه پوشالی آنان به محل جرم بازگردانده شدند.

سرهنگ راستی با بیان اینکه این افراد سابقه‌دار بودند، اظهار کرد: نمی‌توان آنان را جزو اوباشگران سطح یک دانست.

این افراد در گذشته نیز درگیری‌هایی داشتند که البته در آن از سلاح گرم استفاده نکرده‌بودند.

وی درباره اینکه گفته می‌شود یکی از گروه‌های درگیر در این نزاع از نوچه‌های یکی از اوباشگران معروف تهران هستند، نیز گفت: فرد مورد نظر شما در خارج از کشور است و اگر وارد کشور شود، دستگیر خواهد شد. این فرد هم دارای سوابق عدیده است، اما همانطور که گفتم در کشور حضور ندارد.

سرهنگ راستی در پایان از همکاری دستگاه قضایی با پلیس قدردانی کرد و گفت: پلیس فتا نیز در جریان این مأموریت همکاری و هماهنگی خوبی با پلیس امنیت عمومی تهران بزرگ داشت.

برگ سبز موتور سیکلت تیپ CDI۱۲۵ مدل ۱۳۸۹ رنگ قرمز شماره پلاک (ایران ۳۲۵-۳۳۵۶۶) به شماره موتور ۰۰۰۳۳۹۵۳ شماره شاسی NBD***۱۲۵A۸۹۰۵۲۰ متعلق به علیرضا گوشه مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
البرز

سند خودرو کارت سوخت ومعاینه فنی پژو پارس tu۵ خاکستری متالیک به شماره پلاک ۱۶۳ص۶۸ ایران ۵۹ وشماره موتور ۱۳۹B۰۰۱۵۶۲۹ وشماره شاسی NAAN۱۱FC۶DK۶۶۲۱۴۷ مفقود گردیده وازدرجه اعتبار ساقط است.
گلستان

برگ سبز خودرو پژو PARS XU۷ مدل ۱۳۹۴ رنگ سفید روغنی شماره پلاک (ایران ۳۸-۸۱۷ ب ۶۵) به شماره موتور ۱۲۴K۰۶۷۵۹۳ شماره شاسی NAAN۰۱CE۹FH۲۴۴۹۳ متعلق به محمد علی نظری جلال مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
البرز

برگ کمپانی خودرو نیسان وانت تیپ ۲۴۰۰ مدل ۱۳۸۹ رنگ آبی روغنی شماره پلاک (ایران ۶۸-۲۳۸ ج ۹۲) به شماره موتور ۵۳۴۳۰۳ شماره شاسی NAZPL۱۴۰TBM۲۴۰۴۹۶ متعلق به نجفعلی امینی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
البرز

مفقودی
برگ کمپانی ، برگ سبز، سند نقل و انتقال و کارت خودرو پراید هاچ بک تیپ ۱۱۱SE مدل ۱۳۹۳ رنگ آبی سیر متالیک شماره پلاک (ایران ۵۳۶۳۸ ه ۹۵) به شماره موتور ۵۲۴۸۹۵۳ شماره شاسی NAS۴۳۱۱۰۰E۵۸۰۴۶۴۹ متعلق به آزاده دالوند مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.البرز

مفقودی
مفقودی کارت هوشمند به شماره ۲۳۹۶۶۹۹ اتوبوس بیابانی سیستم: یاتونگ تیپ: ZK۶۷۹۸H مدل ۲۰۰۶: رنگ سفید روغنی شماره شاسی LZYTET۰۶۰۵۰۰۱۱۵۰۲ شماره موتور G۰۸YD۵۰۰۰۲۶ شماره پلاک ۷۲ع ۹۳۷ ایران ۱۳ بنام شرکت پویا ماشین اسپادان مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط میباشد.
هرمزگان

برگ کمپانی خودرو سواری کار جیلی تیپ امگرند X۷ اتوماتیک ۲۴۰۰ مدل ۲۰۱۴ رنگ سفید روغنی شماره پلاک (ایران ۷۷-۸۳۶ ج ۷۹) به شماره موتور JLD۴G۲۴D۶JC۰۰۱۸۵ شماره شاسی L۱۰۸DBZ۵۹E۳۰۷۷۰۱۹ متعلق به بتول یعقوب فکر گشتی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
البرز

برگ سبز خودرو سیکلت تیپ CDI۱۲۵ مدل ۱۳۸۹ رنگ قرمز شماره پلاک (ایران ۳۲۵-۳۳۵۶۶) به شماره موتور ۰۰۰۳۳۹۵۳ شماره شاسی NBD***۱۲۵A۸۹۰۵۲۰ متعلق به علیرضا گوشه مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
البرز

برگ سبز خودرو پژو PARS XU۷ مدل ۱۳۹۴ رنگ سفید روغنی شماره پلاک (ایران ۳۸-۸۱۷ ب ۶۵) به شماره موتور ۱۲۴K۰۶۷۵۹۳ شماره شاسی NAAN۰۱CE۹FH۲۴۴۹۳ متعلق به محمد علی نظری جلال مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
البرز

برگ کمپانی خودرو نیسان وانت تیپ ۲۴۰۰ مدل ۱۳۸۹ رنگ آبی روغنی شماره پلاک (ایران ۶۸-۲۳۸ ج ۹۲) به شماره موتور ۵۳۴۳۰۳ شماره شاسی NAZPL۱۴۰TBM۲۴۰۴۹۶ متعلق به نجفعلی امینی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
البرز

مفقودی
برگ کمپانی ، برگ سبز، سند نقل و انتقال و کارت خودرو پراید هاچ بک تیپ ۱۱۱SE مدل ۱۳۹۳ رنگ آبی سیر متالیک شماره پلاک (ایران ۵۳۶۳۸ ه ۹۵) به شماره موتور ۵۲۴۸۹۵۳ شماره شاسی NAS۴۳۱۱۰۰E۵۸۰۴۶۴۹ متعلق به آزاده دالوند مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.البرز

برگ سبز خودرو وانت زامیاد تیپ Z۲۴NIB مدل ۱۳۹۰ رنگ آبی روغنی شماره پلاک (ایران ۳۰-۴۱۷ ق ۳۷) به شماره موتور ۶۱۵۰۷۴ شماره شاسی NAZPL۱۴۰TBO۳۳۲۶۹۲ متعلق به سلمان شبانی گنزق با کد ملی ۱۴۶۳۵۶۸۶۶۵ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
البرز